

راهبرد امنیت جمهوری اسلامی ایران در دولت روحانی در پیشبرد منافع ملی

خورشید نجفی جویباری^۱

رضا بهرامی^۲

چکیده:

با انتخاب «حسن روحانی» و روی کار آمدن دولت یازدهم و دوازدهم، راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی با دگردیسی‌های جدیدی مواجه شد. دولت با چالش‌های مختلف جهانی، منطقه‌ای و داخلی مواجه بود. این چالش‌ها بیشتر مرتبط با جهانی سازی، امنیت نوین جهانی، ابعاد پیچیده امنیت در سطح جهانی و منطقه‌ای، درگیری‌های منطقه‌ای و... مواجه بود. به همین دلیل امنیت جمهوری اسلامی در دوران دولت یازدهم متأثر از جهانی شدن در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی (اجتماعی) همچون تعاریف جدید امنیتی و حضور فرا منطقه‌ای و امنیت سیبرنتیکی بوده است. دولت روحانی با راهبرد تعامل سازنده و سیاست تنش‌زدایی، شرق‌گرایی و مبارزه با افراط‌گرایی نظم مورد نظر خود، همان نظم منطقه‌ای پایدار را دنبال نمود. در این راستا اقدامات مختلفی اعم از توافق هسته‌ای، ائتلاف با دیگر کشورها در راستای نابودی جریان‌های افراطی همچون داعش، عامل با برخی گروه‌ها در کشورهای همسایه، تلاش در جهت ائتلاف با برخی کشورهای قدرتمند منطقه‌ای و جهانی همچون روسیه و ترکیه و بهره‌برداری از شکاف امنیتی امریکا و غرب را اتخاذ شد.

واژگان کلیدی: دولت روحانی، جهانی شدن، امنیت نرم، برجام، تنش‌زدایی، شرق‌گرایی،

منطقه‌گرایی

^۱ - دانشجوی دوره دکتری، علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، قزوین، ایران: نویسنده

مسئول

kh.najafi58@gmail.com

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، قزوین، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۷

مقدمه

در سال‌های اخیر مفهوم جهانی شدن و تأثیرات و پیامدهای آن توسط پژوهشگران مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برای جهانی شدن معانی متعددی ذکر شده و هر یک از اندیشمندان نیز آن را از جنبه خاصی بررسی کرده است. به عبارت بهتر جهانی شدن فرآیندی است دارای ابعاد مختلف که اکثر نویسندگان از سه جنبه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی (اجتماعی) آن نام برده‌اند. امنیت ملی کشورها تحت تأثیر مرزهای بین‌المللی و منطقه‌ای که کانون‌های بحران محسوب می‌شوند همواره مورد تهدید قرار دارد. هر چه بر دامنه گسترش جهانی شدن و ابعاد آن افزوده می‌شود، این تهدیدات در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نسبت به آن دسته از کشورهایی که آسیب‌پذیری بیشتری دارند، تشدید خواهند شد. بنابراین پدیده جهانی شدن به مثابه تهدیدی بر امنیت ملی کشورها قابل بررسی است. مسأله‌ای که می‌توان مطرح داشت آن است که جهانی شدن به مثابه پروسه و پروژه و یا پدیده بر امنیت ملی جمهوری اسلامی تأثیرگذار است. این تأثیرات بستگی به ایفای نقش بازیگران و نخبگان جمهوری اسلامی و سیستم مدیریتی کلان کشور دارد. با توجه به زمینه‌های مناسب و امکانات فرهنگی، سیاسی و ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران، جهانی شدن می‌تواند فرصت‌های جدی و مناسبی را که تضمینی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی است، فراهم کند. در غیر این صورت به حذف فرصت‌ها و تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی منجر خواهد شد. تلاش و کوشش جامعه جهانی تأمین و دست یافتن به اهداف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در تمامی شئون و ارکان آن می‌باشد. در عصر کنونی که مصادف با پیشرفت فزاینده تکنولوژی در تمامی زمینه‌ها علی‌الخصوص ارتباطات شده است، نزدیکی و ارتباط دولتها و کشورها با یکدیگر به عنوان یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل در راهبرد امنیتی آنان به حساب می‌آید. در این بین سرزمین‌ها و ملت‌هایی که برخوردار از اعتقادات و باورهایی می‌باشند که الزاماً رسیدن به هر انتفاع و نفعی به هر قیمت و شیوه پذیرفته و قابل قبول نباشد، از حساسیت و برجستگی بیشتری برخوردار می‌شوند، لذا تعریف راهبردهای امنیتی این دول و ملل، بیش و پیش از آنکه منشعب و منبسط از ضوابط جهانی باشد، مبتنی بر آرمان‌ها و خواست‌های آنان است و جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان سرسلسله حرکت‌های آزادی‌خواهانه و انقلابی جامعه جهانی و منطقه به شدت در معرض این نگاه و اندیشه است. لذا بررسی تناسب و رابطه راهبردهای امنیتی جمهوری اسلامی با پدیده

جهانی شدن، گذشته از اهمیت و حساسیت آن می‌تواند در صورت به نتیجه رسیدن به عنوان الگوی عملی و علمی برای دیگر جوامعی از این دست مثر ثمر و فایده قرار گیرد. پیشرفت‌ها در فناوری‌های اطلاعات امکان واقعی دستیابی به شکوفایی اقتصادی و آزادی‌های سیاسی را پدید می‌آورد و پیشبرد صلح را موجب می‌شود، اما نیروهای قدرتمندی را نیز برای از هم گسیختگی‌های اجتماعی و آسیب‌پذیری‌های بحران‌آفرین به بار می‌آورد، بذر خشونت و درگیری را می‌کارد، بحران‌های اقتصادی را در سراسر مرزهای دولتها می‌گستراند و مشکلاتی جهانی را ایجاد می‌کند. جهانی شدن پدیده‌ای چندبعدی است. در واقع، فناوری‌های اطلاعات، همپای با دیگر فناوری‌های موجود به سرعت در حال توسعه و گسترش‌اند. تجارت نیز همانند جریان سرمایه و سرمایه‌گذاری خصوصی، جهان را فرا گرفته است. همچنین، وابستگی‌های متقابل در تمام شئون زندگی مان رو به افزایش است. حاکمیت امروز ایران به دلیل برخورداری از مبانی تئوریک و اندیشه خاص خویش، می‌بایست و باید با تبیین رابطه معین و مشخص خود و نسبتش با جهانی شدن و اندیشه‌های فراملی و فرامرزی، جایگاه و الگوی خود را نمایان سازد تا بتواند طرح و راهبرد مانایی و پایداری خود را در چنین وضعیتی روشن سازد. لذا مسأله اساسی پژوهش حاضر بررسی راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی در گسترش و توسعه پدیده جهانی شدن، خصوصاً با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید (دولت یازدهم) که به نظر می‌رسد توانسته دریچه‌های امید جدیدی را در تعامل با جامعه ایران امروز بگشاید؛ می‌باشد.

چارچوب نظری

امنیت یعنی ایمن شدن و در آمان بودن، آرامش و آسودگی... از دید قرآن کریم این واژه به معنی ایمنی از ترس و وحشت و ایمنی عمومی سرزمین اسلام می‌باشد. در معنای وسیع کلمه امنیت، مصونیت حقوق هر فرد از هر نوع تعرض را می‌گویند و از لحاظ سیاسی هر وقت کشوری از ثبات داخلی برخوردار باشد آن را دارای امنیت تلقی می‌نمایند. امنیت امری نسبی و ذهنی است و در معنی عینی می‌شود آن را عدم وجود تهدید نسبت به ارزش‌های تحصیل شده و در معنی ذهنی عدم وجود ترس نسبت به این که این ارزش‌ها مورد هجوم واقع شوند. (ماندل، ۹۳)

چیزی که در این تعریف قابل تشریح است این است که امنیت امری است نسبی، یعنی هرگز امنیت مطلق و به صورت صد در صد قابل دستیابی نیست همچنین امری است ذهنی یعنی اینکه احتمال دارد کشوری از هر لحاظ از امنیت نسبی هم برخوردار باشد ولی بخاطر عواملی مردم احساس ناامنی نمایند. یکی از این عوامل جنگ روانی دشمن است. امنیت ملی، از ملی و امنیت

ترکیب دو واژه مفهوم جدیدی است که به طور عمده بر تهدیدهای نظامی علیه دولت‌ها استوار است.

بعد از جنگ جهانی دوم امنیت ملی چند بعدی شده و جنبه‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را در بر می‌گیرد. در تعریف امنیت ملی اختلاف نظر وجود دارد و این اصطلاح در دایره المعارف علوم توان یک ملت در حفظ ارزش‌های اجتماعی تعریف شده، تعریف دیگر دستیابی به شرایطی است که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تامین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانگان گام بردارد. امنیت ملی با هر تعریف و نگرشی از هدف‌های نخستین اصلی و پایدار دولت‌های ملی در سامانه بین‌المللی شمرده می‌شود. در امنیت بین‌الملل دولت‌ها به مثابه منشا اصلی تهدید و مسئول اولیه برقراری امنیت محسوب می‌شود. در واقع تامین امنیت بین‌الملل از نظر طرفداران این نظریه (رنالیستها) منوط به تامین امنیت دولت‌ها می‌باشند. با دگرگونی مسایل بین‌المللی مفهوم امنیت ملی نیز دچار دگرگونی شده است و اگر در گذشته مساله نظامی بر مفهوم امنیت ملی بازیگران صحنه سیاست جهانی سایه افکنده بود با زیرروشن نیازهای جهانی مسایل عمده دیگری همچون امور اقتصادی و مسایل زیست محیطی نقش بسیار مهمی در امنیت ملی بازی می‌کنند. (ماندل، ۱۳۷۷: ۷۶)

ایده‌آلیست و امنیت

نقطه شروع این اندیشه را باید در اندیشه فیلسوفان ایده‌آلیستی دید که به صلاحیت انسان جهت برخورداری از یک زندگی عادلانه و امن توجه دارند. آنها این نگرش را تقویت نموده‌اند که انسان، نه محکوم تقدیر، که معمار امنیت است. به عقیده ایده‌آلیست‌هایی همچون کانت، صلح پایدار هنگامی برقرار می‌شود. که به نقش خود در بنیاد عقل در تنظیم جامعه به سامان و مرفقی اعتماد کنیم. از نگاه کانت، انسان به واسطه برخورداری از عقل موجودی سازنده و عضو جامعه است و نمی‌تواند صرفاً تابع و یا جزی از جامعه باشد. به عبارتی دیگر امنیت اجتماعی متغیری وابسته و ساده نمی‌باشد بلکه امری است مستقل و پویا می‌باشد که در بستر فرآیندهای اجتماعی متنوع و مختلف معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

واقع‌گرایان و امنیت

واقع‌گرایان از منظر قدرت به امنیت می‌نگرند و امنیت را از مشتقات قدرت تلقی می‌کنند. از نظر آنها ماهیت نظام بین‌الملل هرج و مرج است لذا دولت که متولی اصلی امنیت است می‌بایست به دنبال کسب قدرت باشد، متفکران نو واقعگرا همچنان به دولت به عنوان مرجع امنیت اهمیت می‌دهند.

انواع امنیت

البته به انواع امنیت تقسیم‌بندی‌هایی صورت گرفته که مهمترین آن همان:

۱- امنیت فردی: که این نوع امنیت زندگی اشخاص را در بر می‌گیرد و به عبارتی امنیتی که حیات و زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر فردی را تضمین می‌کند که از حفظ حیثیت و آبرو و جهان گرفته تا امنیت شغلی هر فرد را در بر می‌گیرد.

۲- امنیت ملی: که تحت تاثیر امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است. درجه و میزان اقتدار کشور از بعد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطرح نموده و حفظ تمامیت ارضی، اقتدار ملی رفاه عمومی، توسعه پایدار و مصونیت فرهنگی را بر می‌گیرد.

۳- امنیت منطقه‌ای، امنیت منطقه‌ای فراتر از امنیت ملی بوده ضمن اینکه مولفه‌های خاص را در بر می‌گیرد و درجه امنیت منطقه‌ای بر میزان امنیت ملی کشورهای آن منطقه تاثیرگذار خواهد بود. همانند امنیت خاورمیانه.

۴- امنیت بین‌المللی: این نوع امنیت فراتر و کلان‌تر از انواع امنیت‌های فردی، ملی و منطقه‌ای است. و ضمن تاثیرگذاری بر تمامی موارد مذکور، امنیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در بر می‌گیرد. مانند به خطر افتادن امنیت اقتصادی. بدین ترتیب در مورد امنیت و تعاریف مربوط به آن عموماً اختلاف نظر وجود دارد اما به نظر می‌رسد بر سر اینکه امنیت به معنی رهایی از تهدیدات در قبال ارزش‌های بنیادین رهیافت‌های مختلف روابط بین‌الملل می‌باشد. ابعاد امنیت و مرکز ثقل امنیت نیز از دیگر وجوه افتراق (هم برای فرد و هم برای گروهها) است. علیرغم اینکه نوعی اتفاق نظر وجود دارد با اینحال درباره اینکه توجه و تمرکز اصلی باید در سطح «فرد» «ملی» یا بین‌المللی باشد اختلاف نظرهای بسیاری همچنین علاوه بر خود موضوع امنیت در مرجع امنیت نیز از جمله موارد اختلاف وجود دارد. (ماندل، ۱۳۷۷: ۹۵) نکته کلیدی در اندیشه واقع‌گرایان ناامنی می‌باشد و نه امنیت زیرا ناامنی همواره تهدید کننده واحدهای سیاسی است و امنیت چیزی یا هدفی است که دولت‌ها در پی آنند. در واقع از نظر واقع‌گرایان عوامل متعددی

باعث بروز ناامنی می‌گردد. موضوع قدرت که در اندیشه واقع‌گرایان نقش محوری دارد از جمله عوامل بروز ناامنی می‌باشد. به همین دلیل کشمکش و رقابت به سر قدرت و ناامنی فراگیر در سیاست بین‌الملل در نتیجه کنش‌های بازیگران برای بدست آوردن قدرت در جهت تقویت و افزایش خود مختاری خود و پس زدن تهدیدات مطرح برای آن است. (خانی، ۱۳۸۳: ۱۸) در واقع امنیت نزد واقع‌گرایان به معنی نبود تهدید امنیت فیزیکی و آنهم از نوع نظامی آن می‌باشد.

اما لیبرالها برخلاف رئالیست‌ها مطالعات امنیتی خود را بر پایه صلح استوار می‌کنند و مطرح می‌نمایند که برخلاف آنچه رئالیست‌ها اعتقاد دارند، پیروزی نمی‌تواند تضمین‌کننده امنیت باشد زیرا شکست خوردگان درصدد چالش مجدد با فاتحان می‌باشند. لیبرالها همچنین با استفاده از مفهوم عقاید، براین باورند که با تغییر در عقاید هر بازیگر، مفهوم امنیت نیز همواره در معرض تغییر خواهد بود. (امکین لای، ۱۳۸۱: ۶۹)

باری بوزان امنیت را امری نسبی می‌داند وی معتقد است امنیت واحدی جهت انعکاس توانایی‌ها و حاوی تمایلات و ترس‌های موجود در طرف دیگر است که در مقابل آن قرار دارد. از این جهت بررسی امنیت ملی یک کشور را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن مقتضیات حاکم بر الگوی بین‌المللی امنیت که نوعی وابستگی متقابل را در بردارد، امکانپذیر دانست. او سه سطح پیشنهاد می‌کند: سطح بالا، میانه و سطح پایین که به ترتیب مصرف سطوح بین‌الملل، منطقه‌ای و ملی هستند، از نظر وی امنیت منطقه‌ای زیرساخت امنیت بین‌الملل است. در همکاری‌های منطقه‌ای هر دولت ملی، باید بتواند ارزیابی صحیحی از میزان توانایی‌های داخلی و خارجی خود داشته باشد و در راستای تحقق آن، علل و عوامل تهدیدهای بالقوه و بالفعل در داخل مرزها و نیز فراسوی مرزها را مورد شناسایی قرار دهد و طبیعی است همکاری‌های منطقه‌ای در قالب ارزیابی درست توانمندی‌ها و شناخت علل و بروز تهدیدها به وقوع می‌پیوندد، این یک حقیقت است که منافع ملی که در هر منطقه‌ای بعنوان الزامات آن منطقه عمل می‌کند، ائتلاف برای حفظ منافع منطقه را در دنیای سیاسی جدید، الزام آور می‌سازد. از منظر چنین انگیزه‌های جهانی و ضروریات منطقه‌ای است که حل و فصل مناقشات سرزمینی، مقدمه‌ای برای دستیابی به نوعی منطقه‌گرایی است که مناسب الگوی ژئوپلیتیک نوین جهانی شده است. (بوزان، ۱۳۸۱: ۶۵)

وی ابعاد امنیت را در پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی گسترش می‌دهد. مکتب کپنهاک را می‌توان واکنشی نسبت به دیدگاه رئالیست‌ها و لیبرالیست‌ها نسبت به امنیت دانست در حالی که رئالیست‌ها در بحث امنیت محوریت را به قدرت نظامی می‌دادند،

لیبرالها با خوش خیالی تامین امنیت را در دستیابی به صلح می‌دانند. در واقع چهارچوب محدود دامنه امنیت در دیدگاه آنان در مکتب کنپهاک اصلاح گردیده است. (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۹۰) باری بوزان امنیت را غالباً در شکل امنیت بین‌المللی تعریف نموده و آن را به پنج مقوله تقسیم نموده است: ۱- نظامی ۲- سیاسی ۳- اقتصادی ۴- اجتماعی ۵- زیست محیطی.

تغییرات مفهوم امنیت بین‌الملل بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر

حادثه یازدهم سپتامبر تاثیر دوگانه‌ای بر مفهوم امنیت بین‌الملل داشته است. از یکسو برخی معتقدند که حادثه ۱۱ سپتامبر بر اهمیت دولت و قدرت سخت افزاری آن را ثابت نمود. چرا که پس از ارباب مردم آمریکا توسط تروریستها این دولت آمریکا بود که به نجات آنها شتافت و با جمله به مواضع آنها و سرکوب دولت‌های خاص آنها آرامش لازم را به میان مردم برگرداند. (دومینیک، ۱۳۸۳: ۲۶)

اما برخی دیگر برآنند که حمله تروریستها به امن‌ترین نقطه جهان و در عین حال پیروزی آنها بر اعمال نقشه‌های ترویستی خود حکایت از آن دارد که مرزهای سنتی دولت رسوخ ناپذیری خود را از دست داده است و حاکمیت دولت از جانب بازیگرانی دیگر به چالش کشیده شده است. آنها بر این اعتقادند که پروسه جهانی شدن عرصه تعامل جریان‌های جهانگرا (که از نمادهای برجسته آن رستوران مک دونالد قابل ذکر است) و جریان‌های عملگرا که جنبش‌های بنیادگرای چالشگر مثل القاعده از نمادهای عمده آن هستند و اقدام تروریست‌ها در آمریکا خود بخشی از جهانی شدن می‌باشد. در هر حال حادثه ۱۱ سپتامبر علیرغم برداشتهای مختلفی که از آن شده است حاوی این پیام است که هرگز نباید به امنیت بین‌الملل به صورت پدیده‌ای تک بعدی نگاه کنیم. حادثه ۱۱ سپتامبر نشان داد که این تصور که پس از پایان جنگ سرد جو امنیتی جهان ملایم شده و تهدیدات سخت افزاری از صحنه جهان محو گردیده تصویری ناقص و نارساست. بنابراین حادثه ۱۱ سپتامبر یکی از وجود متعدد امنیت بین‌المللی در عرصه جدید است و نمی‌توان چنین تلقی کرد که به حادثه ۱۱ سپتامبر جو سنتی سابق مجدداً بازگشته است. امنیت بین‌المللی در عصر جدید مانند دوران وستفالیایی دارای ابعاد مختلفی است. با این تفاوت که در عصر جدید مرکزیت قدرت نظامی از میان رفته است. هر چند که اهمیت آن انکار ناپذیر است. (دومینیک، ۱۳۸۳: ۵۳)

حادثه ۱۱ سپتامبر با برجسته کردن جو جنگی در نظام بین‌الملل تاحدی در راستای افکار نئورئالیستها عمل نمود، اما با همه احوال جهانی که در آن زندگی می‌کنیم به خاطر داشتن

ویژگی‌های منحصر به فردی چون بحران جدی در محیط زیست، انباشت سلاح‌های کشتار جمعی توسط برخی دولت‌ها... نیازمند همکاری جدی بازیگران به ویژه دولت‌ها در جهت رفع چالش‌های امنیتی است. صلح منفی دوران وستفالیایی امروزه جوابگو نیست. بلکه جهان امروز نیازمند صلح مثبت است. صلح مثبت مستلزم تحقق عدالت اجتماعی از طریق فراهم سازی فرصت‌های حتی الامکان برابر، توزیع عادلانه و منصفانه قدرت و منابع، حمایت برابر و اجرای کامل قانون حامی عدالت اجتماعی است. (دومینیک، ۱۳۸۳: ۵۶)

امروزه احساس تعلق بشری به درجه‌ای رسیده است که هیچ گروهی نمی‌تواند نسبت به قتل عام انسان‌های بی گناه در ورای مرزهای خود بی اعتنا باشد. جامعه بین‌الملل تدریجاً به این قاعده نزدیک‌تر می‌شود که در جهت حمایت از حقوق انسان‌ها می‌توان حاکمیت و استقلال دولت‌ها را نقض نمود. (حکم دیوان بین‌المللی لاهه در مورد عمر عبدالشیر رییس جمهور سودان). بنابراین این شبکه پیوستگی امنیت بین‌الملل از سطح دولت-ملتها به سطح افراد رسیده است و برنامه‌های امنیتی نیز غالباً با هدف حمایت از حقوق انسان‌ها ساخته و پرداخته می‌شود. با این وجود چنین پروسه‌ای نیز حالت مطلق ندارد هنوز هم در بسیاری از جاها به بهانه حفظ حاکمیت دولت‌ها، حقوق اساسی انسان‌ها که حق حیات در رأس آنهاست نقض می‌شود. از این رو لازم است جامعه بین‌الملل حاکمیت دولت‌ها را با اولویت دهی در حقوق انسان‌ها باز تعریف نمایند. (همان) حادثه ۱۱ سپتامبر موجبات لشکر کشی و مشروعیت دادن به حضور پررنگ‌تر نظامیان آمریکایی در منطقه خاورمیانه را مهیا نمود.

راهبرد سیاست خارجی دولت یازدهم

سیاست خارجی دولت یازدهم برجسته‌ترین رکن فعال این دولت محسوب می‌شود. دامنه و طیف موضوعات سیاست خارجی بسیار وسیع است؛ به گونه‌ای که از روابط تجاری بین‌المللی که تحت الشعاع تحریم‌ها قرار گرفته را در بر می‌گیرد تا برقراری روابط دیپلماتیک و سیاسی با کشورهایی که در چند سال اخیر شاهد کم شدن سطح مراودات با آنها بوده‌ایم. طیفی گسترده از روابط با کشورهای منطقه خاورمیانه به عنوان حساس‌ترین و بحران خیزترین منطقه دنیا گرفته تا تلاش برای خارج کردن موضوع ایران از شورای امنیت و فصل هفتم منشور ملل متحد را در بر می‌گیرد. (منصوری، ۱۳۹۲: ۱۰) در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، آقای دکتر روحانی ضمن اتخاذ رویکردی نقادانه و سلبی نسبت به سیاست خارجی دولت دهم، وعده اصلاح این روش و ایجاد تحولاتی تازه در سیاست خارجی کشورمان را داد. همین موضوع در

جلب آرای بخشی از اقلار جامعه رای بسزایی داشت. (خبرآنلاین، ۱۳۹۶) با پیروزی جریانی موسوم به عدالت‌گرا و روی کار آمدن دولت یازدهم، شاهد بروز عرصه جدید از کنش در روابط سیاست خارجی و داخلی کشور شدیم. در همین راستا تعامل‌گرایی، چند جانبه‌گرایی، خروج از انزوا و شکست حصر بین‌المللی ناشی از تحریم‌های شورای امنیت بین‌الملل و سازمان ملل متحد از جمله مهمترین سمت گیری‌ها و اولویت‌های دولت یازدهم اعلام شد این رویکردهای نخستین ماه‌های روی کار آمدن دولت منجر به توافقی موسوم به برجام شد. (محمودی کیا، ۱۳۹۷: ۱۵۱)

گفتمان سیاست خارجی دولت یازدهم در صدد بر آمد تا با انتخاب همه گزینه‌های متفاوت از کابینه قبل از خود، به ویژه در موضوع هسته‌ای، هویت نظام ایران را یک هویت مسالمت جو و منطبق با موازین و حقوق بین‌الملل معرفی نماید. (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۴: ۱۱۹) اهداف و اولویت‌های راهبردی حوزه سیاست خارجی برای حصول به تعامل سازنده با جهان بر مبنای غیرامنیتی کردن موقعیت ایران در نظام بین‌الملل؛ تصحیح چهره جهانی جمهوری اسلامی؛ تنش‌زدایی، بازسازی و اصلاح تعاملات با قدرت‌های مؤثر بین‌المللی در جهت منافع ملی؛ عادی سازی و بهبود روابط با کشورهای همسایه و تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم؛ مدیریت، کاهش و حذف تحریم‌های بین‌المللی، چندجانبه و یکجانبه؛ تأثیرگذاری سازنده بر روند تحولات جهانی به ویژه در حوزه‌های مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و جلوگیری از اشاعه سلاح-های کشتار جمعی؛ تقویت نقش الهام بخشی ایران و گفتمان اصیل انقلاب اسلامی، و تلاش برای همگرایی میان کشورهای اسلامی و تعامل سازنده و مؤثر با جهان استوار است. (اصول کلی و خط مشی دولت روحانی، ۱۳۹۲) رویکرد کلان سیاست خارجی دولت یازدهم، ایجاد تفاهم و تقویت اجماع در سطح ملی، اعتدال‌گرایی و همکاری در روابط خارجی براساس رویکرد عزت، حکمت، مصلحت و تعامل سازنده و مؤثر می‌باشد. این رویکرد در راستای دستیابی به اهداف چشم انداز بیست ساله کشور، تقویت امنیت ملی، رفع تهدیدات خارجی، محور قراردادن اقتصاد و توسعه ملی در روابط خارجی، خنثی سازی تبلیغات در خصوص اسلام ستیزی و ایران هراسی، ارتقای اعتبار و افزایش احترام و عزت ایران تعیین شده است.

راهبرد سیاست خارجی

مبتنی بر چنین رویکردی چهار راهبرد برای سیاست خارجی تنظیم شده است. (همان)

تبیین گفتمان اعتدال‌گرایی در جهت تفاهم و اجماع در سطح ملی

اعتدال به معنای ایجاد توازن میان آرمان و واقعیت در مسیر جهت دادن واقعیات به سمت آرمان‌هاست. گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت تدبیر و امید، حرکت واقع‌بینانه، خود-باورانه، متوازن و هوشمندانه از تقابل به گفتگو، تعامل سازنده و تفاهم به منظور ارتقای جایگاه، منزلت، امنیت و توسعه کشور می‌باشد.

ایجاد انسجام و هوشمندی در نظام سیاست خارجی کشور

ایجاد نظام برنامه ریزی و تصمیم‌گیری متمرکز و منسجم در سیاست خارجی؛ شناسایی مستمر تهدیدها و فرصتها برای استفاده و بهره‌گیری به موقع از فرصت‌ها و تبدیل تهدید به فرصت و یا مقابله با آن با هدف تأمین امنیت و منافع ملی؛ فرصت‌سازی، تهدیدزدایی و جلوگیری از افزایش تنش در حوزه‌های منافع حیاتی؛ طرح امنیت ملی محور و منافع ملی بنیان در عرصه روابط و سیاست خارجی.

مشارکت فعال و تعامل سازنده و مؤثر

برقراری، تقویت و تعمیق مناسبات دوجانبه و چندجانبه در جهت تحکیم امنیت ملی، پیشبرد منافع ملی و اعتلا و ارتقای اقتدار، شأن، موقعیت و نقش کشور در منطقه و نظام بین‌الملل؛ مقابله تئوریک و دیپلماتیک با ساختار قدرت محور جهانی؛ مشارکت فعال و هدفمند در تأمین ثبات و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای و مدیریت چالشها و بحرانها برای ارتقاء اعتبار جهانی، تأمین منافع و امنیت ملی؛ تقویت روند چند جانبه‌گرایی، ائتلاف‌سازی سیاسی با کشورهای همسو و مشارکت فعال در شکل دهی هنجارها و قواعد منطقه‌ای و جهانی براساس ارزش‌های اسلامی و منافع ملی؛ تعامل فعال با کشورها و نهادهای مؤثر در اقتصاد جهانی و بسترسازی برای همکاری با بنگاه‌های بزرگ اقتصادی جهت توسعه، تحکیم و تثبیت مناسبات اقتصادی، جذب سرمایه‌های خارجی، گسترش بازارهای صادرات کالا و خدمات و افزایش قدرت رقابتی ایران؛ حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و به ویژه ملت فلسطین. برابر سیاستگذاری که صورت گرفته مهمترین اقدامات دولت یازدهم در این حوزه به این شرح است: مدیریت بحران در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک از محور مقاومت؛ تقویت رویکرد سیاسی - دیپلماتیک در مواجهه با بحرانها و مناقشات منطقه‌ای؛ ایفای نقش فعال و مؤثر در حل و فصل بحران شیمیایی سوریه و جلوگیری از وقوع یه جنگ منطقه‌ای؛ ادامه حمایت از دولت سوریه و محور مقاومت و در نتیجه تثبیت جایگاه کشورمان در حل و فصل بحران‌های

منطقه‌ای؛ رایزنی و تعامل فعال با کنشگران موثر در بحران سوریه منجمله چین، روسیه، آلمان، فرانسه، لبنان، سوئیس، ترکیه، مصر و لبنان؛ انجام تالش‌های دیپلماتیک جهت جلوگیری از انتقال بحران سوریه به لبنان؛ کسب موفقیت در همراهی ۳۴ کشور جهت حمایت از انتخابات ریاست جمهوری در سوریه؛ ایفای نقش مؤثر در مهار داعش در توسعه نفوذ در عراق و سوریه؛ حمایت سیاسی - دیپلماتیک موثر از محور مقاومت و مساله فلسطین در منطقه؛ نقش مؤثر در مقاومت مردم غزه در قبال تجاوز رژیم صهیونیستی. (دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت، شهریور ۱۳۹۵)

برخی برنامه‌های حوزه سیاست خارجی

دولت برنامه‌های متناسب با شرایط و موقعیت و جایگاه و ضرورت‌های ملی طراحی نموده و به شرح ذیل اعلام نمود: برنامه‌ریزی عملیاتی و هدفمند برای خنثی‌سازی پروژه امنیتی سازی جهانی جمهوری اسلامی ایران؛ تقویت دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران؛ مدیریت روابط با کشورهای متخاصم و عادی سازی روابط با دیگر کشورهای غربی؛ تقویت روابط با قدرت‌های جدید و نوظهور؛ بازسازی نقش منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران؛ برنامه‌ریزی هوشمندانه، انسجام تصمیم‌گیری و یکپارچگی عملیاتی به منظور ارتقای نقش مثبت سیاست خارجی در توسعه ملی؛ طراحی ساختار گفتمانی متناسب بر اساس درک واقعیات ساختاری منطقه‌ای و جهانی؛ بهره‌گیری حساب شده، برنامه‌ای، هماهنگ و مؤثر از دیپلماسی دوجانبه، چندجانبه، عمومی، اقتصادی، فرهنگی، پارلمانی، دفاعی، امنیتی و غیررسمی در جهت نیل به اهداف توسعه و امنیت کشور. اما در عرصه اقدام و عمل یکی از مهمترین برنامه‌های دولت یازدهم پیگیری مسائل خارجی با تکیه بر تعامل، مفاهمه و گفتگو بود آن هم در شرایطی که درهای گفتگو بسته و اقدامات تنبیهی علیه ایران در اوج خود قرار داشت. تیم دیپلماسی دولت رمز عبور از این تنگنا را اعتمادسازی و حل و فصل مسالمت آمیز اختلاف هسته‌ای دانست و با پشتکار زیاد و حمایت تمام قد نهادها و مقامات عالی رتبه کشور، به این اختلاف فرسوده و پرهزینه به نوعی پایان داد. پس از نزدیک به دو سال گفتگوهای سخت و فشرده، سرانجام این پرونده بسته شد و در قالب برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ گشایش‌های زیادی در روابط خارجی ایران پدید آمد. پس از لغو ۶ قطعنامه شورای امنیت و ۱۲ قطعنامه شورای حکام، تعاملات تجاری و اقتصادی ایران و جهان وارد مرحله‌ای از پویایی و رونق شد. افزایش تولید و صادرات انرژی تا رسیدن به وضعیت دوره پیش از تحریم‌ها، توسعه حمل و نقل، رفع موانع ارتباطات بیمه‌ای، ارزی و بانکی با جهان و همچنین امضای صدها سند میلیاردی تنها نمونه‌هایی از رونق پسابرجامی

است. رهاوردهای سفر رئیس جمهوری و وزیران حوزه‌های گوناگون کشورمان به نقاط مختلف جهان و برعکس، نتیجه همین رویکرد تعاملی و تنش زدا بوده است. از طرفی، کاهش چشمگیر روابط ایران و کشورهای قاره سبز در این دولت به طور کامل دگرگون شد. به عنوان نمونه در سفری که رییس جمهوری به فرانسه و ایتالیا داشت دهها سند همکاری به ارزش تقریبی ۵۰ میلیارد دلار حاصل شد. سخنان بهمن ماه پارسال «ژان مارک آیرو» وزیر امور خارجه فرانسه در جریان سفر به ایران مبنی بر ۲۰۰ برابر شدن حجم مبادلات دو کشور را می‌شود در این راستا تحلیل کرد. در کنار پویایی معاملات و مبادلات اقتصادی، رویکرد تعامل گرا و مداراجوی دولت یازدهم موج ایران هراسی را فرونشاند و در مقابل به افزایش جایگاه جمهوری اسلامی در جهان و مجامع بین‌المللی کمک کرد. در شرایط موجود، دشمنان ایران در صورت پافشاری و لجاجت برای منزوی کردن ایران، خود بیشتر به انزوای خود ساخته فرو خواهند رفت. (<http://www.irna.ir>)

مهمترین دست آوردهای اعلام شده از سوی دولت در ارائه کارنامه ۴ ساله در حوزه سیاست خارجی به شرح ذیل است: (دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت، شهریور ۹۵)

پیشبرد موفقیت آمیز مذاکرات هسته‌ای تا دستیابی به توافق؛ و مدیریت اجرای برجام، شناسایی بین‌المللی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و تثبیت حق غنی‌سازی؛ از طریق مذاکره همزمان با توقف روند تحریم‌های فزاینده علیه جمهوری اسلامی ایران از روزهای آغازین دولت و در نهایت پایان دادن به قطعنامه‌های شورای امنیت و تحریم‌های ظالمانه رفع کامل تحریم‌های حوزه انرژی و حمل و نقل و بیمه و حرکت به سمت رفع مشکلات پولی و مالی ساماندهی فشار علیه تحریم‌های ایالت متحده حتی توسط متحدین غربی آن پایان یافتن تحریم‌های بین‌المللی هسته‌ای علیه افراد و سازمان‌های جمهوری اسلامی ایران؛ آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده ایران.

مقابله با پروژه امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران، ایران هراسی و شیعه ستیزی بر هم زدن اجماع امنیتی علیه ایران در داخل آمریکا، غرب و جهان و خنثی کردن پروژه صهیونیستی ایران هراسی و در نتیجه ایجاد فرصت برای شناسایی خطرات واقعی منجمله افراط‌گرایی وهابی. تقویت و توسعه روابط متوازن با کشورهای مختلف و سفرهای متعدد سران، وزرا و هیأت‌های عالی رتبه سیاسی، پارلمانی و تجاری به ایران از همه نقاط و مناطق جهان بهبود نسبی تصویر جمهوری اسلامی ایران نزد افکار عمومی دنیا؛ کاهش تهدید واقعی نظامی بیگانگان علیه کشور از طریق بازشدن فضای بین‌المللی؛ تغییر گفتمان و کاهش تبلیغات در ارتباط با لزوم حمله به

جمهوری اسلامی ایران؛ مشارکت فعال در جلسات مربوط به خلع سلاح و امنیت بین‌الملل به عنوان یک قدرت مسئول منطقه‌ای و اعمال فشار بر کشورهای دارنده تسلیحات هسته‌ای برای عمل به تعهدات خلع سلاح خود؛ پیگیری فعال موضوع ایجاد خاورمیانه عاری از سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی؛

مدیریت اختلافات و کاهش تنش در روابط خارجی کشور: مدیریت اختلافات با ایالت متحده آمریکا؛ بهبود مناسبات با قدرت‌های مؤثر اروپایی؛ عادی‌سازی مناسبات با انگلستان و مغرب و بازگشایی سفارتخانه‌ها؛ توافق با کانادا در خصوص ایجاد دفتر حفاظت منافع؛

توسعه و تعمیق روابط همه جانبه با قدرت‌های نوظهور: تحکیم پیوندهای راهبردی و اقتصادی با قدرت‌های نوظهور منجمله روسیه و چین؛ احیای ستاد آفریقا به ریاست معاون اول رئیس جمهور با هدف توسعه و تحکیم روابط با این حوزه؛ آغاز فرآیند عضویت در بانک توسعه بریکس؛ طراحی ایده گفتگوی راهبردی در خصوص موضوعات مهم و استراتژیک بین ایران و روسیه و تهیه برنامه سه ساله همکاری بین دو کشور و پیگیری تهیه برنامه جامع همکاری فیمابین؛

حوزه امنیت ملی و توان دفاعی

دولت یازدهم هفت هدف و سه راهبرد در حوزه امنیت ملی و توان دفاعی را برای خود ترسیم نمود. اهداف راهبردی حوزه امنیت ملی و توان دفاعی عبارتند از، اطمینان بخشی و ایجاد زمینه امنیت برای فعالیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی؛ برقراری توازن میان امنیت شهروندان و امنیت حاکمیت؛ حفظ استقلال، وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور؛ افزایش سهم ایران در صلح آفرینی و ثبات‌آفرینی جهانی؛ افزایش اعتماد میان دولت و ملت؛ پیشگیری از بروز تنش‌های برون‌مرزی قابل تسری به داخل کشور؛ بالا رفتن سطح توان دفاعی ملی و نیز راهبردهای ترسیم در سه محور کلی تنظیم شدند که امنیت ملی همه‌جانبه و شهروندمدار؛ سیاست اطلاعاتی متمرکز و راهبردی؛ سیاست دفاعی فعال و توانمند. (اصول کلی و خط مشی دولت روحانی، ۱۳۹۲)

اولویت‌های راهبردی امنیت ملی

اولویت‌های راهبردی مرتبط با امنیت ملی همه جانبه و شهروند مدار عبارتند از:

الف) برقراری امنیت همه‌جانبه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل نهم، ذیل فصل اول با عنوان اصول کلی مقرر داشته است: ... هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی،

فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند. از بررسی مشروح مذاکرات مجلس درباره قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین برداشت می‌شود که تدوین کنندگان این اصل، با توجه به فضای امنیتی ایجاد شده توسط رژیم سابق و با توجه به اینکه به نام حفظ امنیت کشور و امنیت ملی هرگونه آزادی محدود می‌شد، چنین اصل ارزشمندی را پیشبینی کرده‌اند. (توجهی، ۱۳۹۲، ۲۵)

در دولت تدبیر و امید امنیت دارای تعریفی فراگیر است و تحقق امنیت در عرصه‌های سلامتی، تغذیه، بهداشت، معیشت و رفاه، انسجام خانوادگی و اجتماعی را مد نظر قرار داده و مفهومی توسعه یافته و انسانی از امنیت را در بر می‌گیرد. تحقق چنین برداشتی از امنیت، سبب توسعه رضایت خاطر و آرامش در جامعه خواهد شد.

ب) نقش آفرینی در برقراری صلح و ثبات منطقه‌ای و جهانی

رئیس دولت یازدهم در جریان معرفی وزیر امور خارجه به مجلس حل و فصل مشکلات منطقه‌ای و تقویت روابط با همسایگان در حوزه روابط سیاسی و کمک به دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی و بهبود وضعیت معیشت مردم در حوزه دیپلماسی اقتصادی دو ابر اولویت برنامه آقای ظریف در کابینه دولت معرفی نمود. ایران یکی از بزرگترین و مهمترین کشورهای جهان از منظر جغرافیایی و ژئوپلیتیک است. همچنین امنیت منطقه بدون حضور ایران هیچگاه قابل تصور نبوده است. دولت یازدهم تلاش می‌کند در سایه بهبود روابط با کشورهای همسایه، منطقه و جهان، و همچنین همکاری با نهادهای بین‌المللی، اعتبار بین‌المللی و تأثیرگذاری ایران بر روابط بین‌المللی را افزایش دهد. شاید اصلی‌ترین راهبرد دولت جهت ایجاد ثبات منطقه‌ای و جهانی را بتوان در برجام ترسیم و تشریح نمود.

پ) حرکت به سمت پیمان‌های امنیت منطقه‌ای

امنیت همواره ماهیت جمعی داشته و محصول تعاملات طرف‌های متفاوت و از جمله کشورهای واقع در یک منطقه است. منطقه‌ای که ایران در آن واقع شده شاهد حضور نیروهای بیگانه نیز هست. افتراقات ناشی از تعارض منافع و فشارهای ناشی از حضور بیگانگان، حرکت به سمت پیمان‌های منطقه‌ای برای شکل‌گیری همکاری‌های امنیتی و همچنین کاستن زمینه‌های حضور نیروهای بیگانه را ضروری می‌سازد و دولت یازدهم زمینه‌سازی و تلاش برای تحقق چنین پیمان‌هایی را ضروری می‌داند. بدیهی است که این اقدام در کنار سایر سیاست‌های امنیتی مد

نظر دولت یازدهم، وزن و تأثیر ایران را در معادلات منطقه‌ای افزایش خواهد داد. در این رابطه از جمله اقدامات صورت گرفته شامل طراحی و اجرای اقدامات اعتمادساز با کشورهای همسایه و منطقه آسیای غربی: عمق بخشیدن به مناسبات با همسایگان؛ ارتقاء سطح ارتباط و رایزنی‌های دیپلماتیک با روسیه به سطح رئیس جمهور؛ ارتقاء سطح همکاری بین ایران و روسیه در حوزه‌های امنیتی، نظامی و دفاعی و انجام سفرهای متقابل مقامات امنیتی و نظام‌های دو کشور؛ آغاز مذاکرات همکاری ایران با اتحادیه اوراسیا بوده است. (دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت، شهریور ۱۳۹۵)

ت) مبارزه با عوامل تنش‌ها و تنازعات قومی، مذهبی و جنگ افروزی‌های بیگانگان در منطقه منطقه و خاورمیانه امروز در آتش تنشها و تنازعات قومی و مذهبی که بسیاری از آنها ریشه‌های خارجی نیز دارند می‌سوزد. تجربه نشان می‌دهد اینگونه تنش‌ها قابل تسری به سایر کشورها نیز هستند. بنابراین برخورد پیشگیرانه با چنین تنش‌هایی نیازمند دیپلماسی امنیتی فعال و همکاری‌های متقابل بین‌المللی است نگاه جمهوری اسلامی در سطح کلان به قومیتها نگاه فرصت محوری است که همه قومیت‌ها را در کشور فرصت می‌داند و با نگاهی به قانون اساسی این را اثبات می‌کند، با اقدامات دولت می‌توان گفت: مفاد ده ماده‌ای بیانیه اقوام دکتر روحانی یکی پس از دیگری در حال اجرایی شدن است مفاد ده ماده‌ای که در واقع می‌توان به سه بخش تقسیم نمود: بکارگیری نیروی بومی یا بومی‌گزینی از اهل سنت و اقوام دیگری، آموزش و اصول مسکوت مانده قانون اساسی و همچنین بحث پرداختن به آداب و رسوم فرهنگی و مسائل فرهنگی. (دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت، شهریور ۹۵) از طرفی بدون پذیرش تنوع و تکثر سلیقه‌ها، هویتها، فرهنگها در جامعه ایرانی، نمی‌توان جامعه منسجم ایجاد کرد. ایران کشوری متشکل از زبانها، مذاهب، ادیان، قومیتها و هویت‌های متفاوت است که خوشبختانه همواره در یک کلیت واحد فرهنگی حضور داشته و سهم خود را ایفا کرده‌اند.

ث) مبارزه با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و کمک به تحقق خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای

جمهوری اسلامی ایران در خلال دوران دفاع مقدس بارها قربانی کاربرد سلاح‌های شیمیایی کشتار جمعی شده است. با توجه به فتوای مقام معظم رهبری در خصوص حرمت تولید و کاربرد سلاح‌های اتمی و این واقعیت که سلاح‌های کشتار جمعی تهدیدی علیه بشریت هستند، دولت

یازدهم تمام توان خود را برای مبارزه مؤثر با تولید و گسترش سلاحهای کشتار جمعی به کار بست.

ج) مقابله با جرائم سازمان یافته جهانی

جمهوری اسلامی ایران همواره قربانی جرائم سازمان یافته و در صدر آنها قاچاق مواد مخدر بوده است. با افزوده شدن پولشویی، قاچاق انسان و سایر اشکال اینگونه جرائم، تأمین امنیت کشور، ممانعت از آسیبهای اجتماعی، تأمین امنیت اقتصادی و بهطور کلی امنیت همه جانبه نیازمند مقابله با این جرائم و ورود به همکاریهای بین‌المللی در این زمینه است و دولت یازدهم در این عرصه اهتمام داشت.

اولویت های راهبردی سیاست دفاعی

اولویت‌های راهبردی سیاست دفاعی فعال و توانمند عبارتند از:

- مشارکت در همکاری‌های دفاعی منطقه‌ای

گفتگوی هم‌افزا و همکاری با کشورهای منطقه به منظور نزدیک کردن برداشت‌ها از تهدیدهای مشترک امنیتی، اعتمادسازی و تقویت نگرش مثبت کشورهای منطقه نسبت به توان دفاعی ایران، و رسیدن به همکاری متقابل دفاعی در قالب پیمان‌های فراملی، از اولویت‌های سیاست‌های دفاعی دولت خواهد بود. همچنین تغییرات شتابان در جایگاه راهبردی مرزهای جغرافیایی، ظهور بازیگران نوین غیردولتی و چالش‌های و تهدیدهای نوین امنیتی، همکاری‌های فراملی برای مقابله با چنین تهدیداتی را ضروری می‌سازد.

- افزایش توان فناوری در عرصه دفاعی

با توجه به تغییرات ایجاد در ماهیت جنگها و اتکای جنگ بر فناوری‌های نوین، و تغییرات شتابان در عرصه تکنولوژی‌های نظامی و دفاعی، دولت یازدهم خود را موظف می‌داند نسبت به تقویت توان تکنولوژیک نیروهای مسلح و نوسازی صنایع دفاعی موجود اقدام نماید.

- ارتقای منزلت سرمایه انسانی و خانواده نیروهای مسلح

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران همواره حافظ تمامیت ارضی و کیان جمهوری اسلامی ایران بوده و در این مسیر جان‌فشانی‌های بسیار کرده‌اند. دولت تدبیر و امید نگاهی انسان‌محور و توأم با ضرورت تقویت سرمایه انسانی، منزلت اجتماعی و آسایش خاطر نیروهای مسلح و خانواده ایشان داشته و برای تحقق این اهداف تمام تلاش خود را در حیطة مقدرات و امکانات کشور به

کار می‌گیرد. همچنین افزایش مهارت‌های حرفه‌ای و ارتقای کیفیت و توانمندی‌های انسانی نیروهای مسلح از اولویت‌های دولت یازدهم خواهد بود.

- خودکفایی و تجاری سازی صنایع دفاعی

با توجه به تهدیدهای همه‌جانبه علیه کشور و تحریم‌های بین‌المللی، ضروری است دولت برنامه‌های خودکفایی در صنایع دفاعی را دنبال کرده و علاوه بر آن با توجه به ظرفیت موجود در صنایع دفاعی برای کمک به درآمدهای ارزی کشور، دولت تجاری‌سازی صنایع نظامی را نیز در دستور کار قرار خواهد داد. (اصول کلی و خط مشی دولت روحانی، ۱۳۹۲)

- ساز و کارهای حفظ و کنترل نظم در سیستم‌های منطقه‌ای

امروزه بسیاری از ابعاد سیاست بین‌الملل از جمله صلح و امنیت ویژگی منطقه‌ای و جهانی یافته‌اند. در سیستم نوین ارتباط محور درک دینامیک‌های صلح و امنیت یک کشور بدون توجه به چهارچوب منطقه‌ای و جهانی امکان‌پذیر نمی‌باشد. یکی از گام‌های مهم در شناخت امنیت منطقه‌ای درک سازوکارهایی است که در درون هر منطقه وجود دارد. در این راستا در تشخیص سازوکارهای مذکور باید به عوامل و متغیر زیر توجه نمود:

الف. سطح فردی - ب. سطح ملی - ج. سطح منطقه‌ای

نخستین متغیر کارگزاران صلح و امنیت در منطقه که به سه دسته کارگزاران در سطح فردی، ملی و منطقه‌ای دسته‌بندی می‌شوند. کارگزاران فردی، مردمان و افرادی هستند که از اعتبار خود برای تحول در تعارضات و تبدیل آنها به صلح استفاده می‌نمایند.

در سطح ملی نیز دولت و جامعه مدنی مطرح می‌باشد که معمولاً در دو حوزه داخلی و خارجی اقدام می‌نمایند. در سطح خارجی دولت‌ها با بهره‌گیری از توازن قوا، بازدارندگی هسته‌ای، اتحادها و جنگ سعی در به حداکثر رساندن منافع ملی دارند؛ همچنین در این جهت ممکن است اقدام به رژیم‌سازی و یا نهادسازی نمایند. در سطح داخلی نیز خود را مسئول اصلی صلح و امنیت جمعیت و سرزمین خود تصور می‌کنند. جوامع مدنی نیز حوزه مجزایی از دولت است که مردمان خود را در درون آن سازماندهی کرده و برای پیشبرد منافع مشترک خود اقدام می‌کنند. سازمان‌های منطقه‌ای، جوامع مدنی منطقه‌ای، کارگزاران اقتصادی نیز از جمله بازیگران عرصه صلح و امنیت منطقه‌ای محسوب می‌شوند. (خانی، ۱۳۸۳: ۲۴۳)

مفهوم‌سازی محیط امنیتی منطقه ای در ایران

در مجموع به منظور مفهوم‌سازی نظری محیط امنیتی منطقه توجه به دو دسته متغیرها ضروری است. دسته نخست مربوط به متغیرهایی است که ایجاد کننده تهدیدات می‌باشند. بعد از مشخص شدن متغیرهای مذکور، درک تهدیدات پایه‌ای برای درک امنیت محسوب خواهد شد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۱۰)

والث نیز توازن تهدید را مطرح می‌نماید. معتقد است که دولت‌ها توازن قدرت را در ارزیابی امنیتی مد نظر قرار نمی‌دهند، بلکه توازن تهدید که براساس توازن قدرت و ارزیابی آن شکل می‌گیرد مبنای ارزیابی امنیتی قرار می‌گیرد. خاورمیانه در قرون گذشته شاهد ظهور امپراتوری‌های مختلفی بود که عثمانی آخرین امپراتوری منطقه به شمار می‌رود. پس از تضعیف عثمانی، چندین بازیگر اصلی در صحنه سیاست خاورمیانه ظاهر شدند. انگلیس و فرانسه را می‌توان مهم‌ترین قدرت‌های مداخله‌گر در این منطقه تا آغاز جنگ جهانی دوم دانست. با آغاز جنگ جهانی دوم، از آنجایی که جلوگیری از تهدید کانال سوئز و منابع نفت خاورمیانه از سوی آلمان، اولویت استراتژیک غرب بود، بنابراین خاورمیانه به صحنه اقدامات نظامی تبدیل شده و تعداد زیادی از نیروهای نظامی در شمال آفریقا، عراق، فلسطین و مصر مستقر شدند. (واعظی، ۱۳۸۹: ۳۷) پس از جنگ جهانی دوم که شالوده نظام چندقطبی از میان رفت، نظام دوقطبی بر سیستم بین‌المللی حاکم شد. این نظام دوقطبی تحت رهبری لیبرالیسم آمریکا و سوسیالیسم شوروی مستقر گشته و با توجه به قرار داشتن اغلب کشورهای عمده اروپایی مانند فرانسه، انگلستان و آلمان غربی در جرگه بلوک غرب و همچنین نگرانی فزاینده این کشورها از تهدید کمونیسم، همکاری و همراهی اروپایی‌ها با آمریکا به ویژه در مسایل امنیتی در حد بالایی قرار گرفت (واعظی، ۱۳۸۹: ۲۹)؛ علاوه بر این، کشورهای کوچک نیز برای تأمین منافع خود ناگزیر به یکی از این دو قطب پیوسته و هر تغییر و تحولی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را تنها در سایه پشتیبانی یکی از این دو قطب محقق دانسته و هیچ کشوری خارج از این محدوده امکان فعالیت نداشت. (منسفیلد، ۱۳۸۸: ۲۹۰)

کشورهای خاورمیانه که یکی وابسته به شرق و دیگری دنباله‌رو غرب بود، بارها تا مرز جنگ تمام‌عیار پیش رفته و سلطه روح میلیتاریستی بر جهان به ویژه در خاورمیانه باعث شد تا درآمدهای حاصل از فروش نفت، صرف خرید اسلحه از آمریکا و شوروی شود. رقابت این دو قدرت، خاورمیانه را با تحولات بسیاری روبرو کرده و این منطقه به بحرانی‌ترین نقطه جهان تبدیل شد.

به علاوه استقرار رژیم صهیونیستی با حمایت انگلیس و آمریکا و جنگ‌های تجاوزگرانه آن علیه اعراب نیز خاورمیانه را هرچه بیشتر درگیر بحران کرد. (Barnett, 1998. 100-103)

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و برهم خوردن نظام دوقطبی در سال ۱۹۹۱، دولت آمریکا به موازات تلاش در شکل دادن نظم جدید بین‌المللی، برقراری نظمی تازه در خاورمیانه را در اولویت سیاست‌های خود قرار داد. در پایان دهه ۱۹۹۰ و اوایل هزاره سوم میلادی، تحولاتی در منطقه به وقوع پیوست که نه تنها پیشرفت سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا را متوقف ساخت؛ بلکه واقعیت‌هایی را به تصویر کشید که به‌رغم حمایت دولت‌ها، از وجود موانع جدی بر سر راه این سیاست‌ها خبر می‌داد.

بی‌نتیجه ماندن مذاکراتی که در چهارچوب کنفرانس اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا با هدف عادی کردن روابط اقتصادی اسرائیل با کشورهای عرب و شکل دادن مناسبات اقتصادی جدید در منطقه صورت می‌گرفت، پیشرفت نکردن مذاکرات سوریه - اسرائیل و در نتیجه عدم تحقق صلح بین اسرائیل با سوریه و لبنان و توقف گفتگوهای فلسطین - اسرائیل و آغاز انتفاضه دوم در فلسطین در سال ۲۰۰۰ از جمله این تحولات بودند؛ تحولاتی که گاه مذاکرات و روند صلح را تا نقطه صفر تنزل دادند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۴۷۶)

بررسی اهمیت منطقه خاورمیانه بدون در نظر گرفتن جایگاه ایران به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست. بعد از پایان جنگ جهانی اول و تأسیس حکومت پهلوی در ایران اهمیت این کشور در منطقه فزونی گرفت؛ زیرا نفت ایران نقش استراتژیکی برای قدرت‌های بزرگ خصوصاً انگلیس داشت. با تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب بر این اهمیت روز به روز افزوده شد. سیاست خارجی ایران در منطقه خاورمیانه بعد از جنگ جهانی دوم (جنگ سرد) را می‌توان به دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی تقسیم کرد؛ در دوره قبل از انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران در منطقه خاورمیانه به طور چشمگیر متأثر از بلوک غرب بود و ایران نقش کمربند محافظ را برای جلوگیری از کمونیسم در منطقه خاورمیانه ایفا می‌کرد. در دوره دوم با ایجاد تحولات در ایران و شکل‌گیری انقلاب اسلامی سیاست خارجی ایران چرخش عظیمی داشت و ایران سیاست خارجی خود را مبنی بر عدم وابستگی به بلوک شرق و غرب اعلام کرد.

با پایان جنگ تحمیلی و فروپاشی نظام شوروی، ایران سعی در عادی‌سازی روابط خود با کشورهای منطقه خاورمیانه کرد. اوتاوی و همکارانش به این امر پرداخته و می‌نویسند: "پس از سقوط صدام حسین، رؤیای معماران جنگ عراق که که بازسازی نظم خاورمیانه و از میان

برداشتن جمهوری اسلامی ایران مد نظر داشتند، میسر نگردید و ایران به عنوان قدرتمندترین بازیگر خاورمیانه مطرح گردید. (Ottaway et al, 2008.13)

بر این اساس، عادی‌سازی روابط که از زمان دولت‌سازندگی آغاز شده بود در زمان دولت اصلاحات تحت عنوان سیاست تنش‌زدایی پیگیری شد. به گونه‌ای که در چهارچوب سیاست تنش‌زدایی، مذاکره مستقیم با کشورهای منطقه خصوصاً کشورهای عربی و مذاکره غیرمستقیم با آمریکا پیگیری شد. با تغییر ریاست جمهوری در ایران سیاست خارجی جمهوری اسلامی از سیاست تنش‌زدایی فاصله گرفت و سیاست تهاجمی در دستور کار سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد قرار گرفت.

سیاست خارجی دولت یازدهم و تنش‌زدایی

تنش‌زدایی به اواخر دوران ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی باز می‌گردد که با آغاز دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، چهره مستقلی به خود گرفت و به طور رسمی به عنوان راهبردی در روابط فرامرزی ایران مطرح و اجرایی شد، اما در دولت روحانی دوباره تنش‌زدایی در قالب راهبرد تعامل سازنده به مرکز ثقل سیاست خارجی ایران تبدیل شد. دولت با هدف تغییر گفتمان در سیاست خارجی آغاز به کار کرد و تعامل سازنده با دنیا، تنش‌زدایی و خردورزی را سرلوحه فعالیت‌های خویش قرار داد. رویکردی که به گشایش‌های اقتصادی و سیاسی فراوانی انجامید و سبب بهبود شرایط در عرصه‌های گوناگون کشور شد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۷/۰۱/۲۹)

مهم‌ترین شاخص‌های سیاست خارجی دولت روحانی شامل محورهایی همچون دوری از تنش و تنش‌زدایی، عقلانیت و تدبیر در عرصه سیاست خارجی، اعتمادسازی، بهبود چهره، تصویر و پرستیژ ایران در عرصه جهانی، دیپلماسی فعال و پویا، تلاش برای متوازن نمودن و بهبود روابط با کشورهای جهان، به خصوص با کشورهای همسایه مطرح شد. شاید بتوان گفت که مهم‌ترین جنبه گفتمان اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تنش‌زدایی است. مهم‌ترین جنبه‌های تنش‌زدایی در دولت روحانی را می‌توان دوری از تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و لزوم برقراری ارتباط، پیگیری دیپلماسی برد - برد، رعایت احترام متقابل، تدبیر و اعتدال در سیاست خارجی، ضرورت پرهیز از درگیری ایدئولوژیکی، ضرورت جدی جهت حفظ بازدارندگی، آمادگی عملی جهت همزیستی مسالمت‌آمیز و پذیرش کثرت‌گرایی سیاسی و اقتصادی دانست.

احتراز از تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و لزوم برقراری ارتباط

دوری از تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و لزوم برقراری ارتباط نخستین جلوه تنش‌زدایی دولت بود در همین راستا دولت سعی کرد تا تصویری عقلانی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه دهد. روابط ایران با بسیاری از کشورهای منطقه و فرمانطقه به شدت بهبود یافت؛ روابط ایران که با بسیاری از کشورها در دولت قبل به دلایل تهاجمی بودن سیاست خارجی ایران به وخامت گراییده بود در دولت اعتدال دوباره از سر گرفته شد. در پرتو تحولات جدید منطقه‌ای اصلی‌ترین چالش سیاست خارجی ایران بهبود روابط با غرب و همسایگان خود و فائق آمدن بر فشارهای بین‌المللی است. رویکرد دولت روحانی نسبت به نگرانی کشورهای منطقه درباره برنامه هسته‌ای ایران معیار مهمی برای نظم منطقه‌ای خاورمیانه به حساب می‌آید. در همین راستا دولت روحانی مذاکرات هسته را دنبال کرد و برجام را به تصویب رساند. اگر بخواهیم نگاهی دقیق به پیامدهای اجرایی شدن برجام بر نظم و امنیت خاورمیانه داشته باشیم باید بگوییم این توافق منطقه را از یک بحران غیر ضروری که برخی کشورها از آن در راستای پیش‌برد اهداف جنگ‌طلبانه خود و بی‌ثبات کردن منطقه بهره‌برداری می‌کردند رها کرد و بهانه را از جنگ‌طلبان برای تداوم سیاست‌های بحران‌سازشان گرفت. (رضایی و ترابی، ۱۳۹۲: ۱۳۱-۱۳۲)

تأثیر برجام بر نظم منطقه‌ای خاورمیانه را می‌توان به سه برهه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت دانست. در برهه کوتاه‌مدت به نظر می‌رسد این امر موجب فروپاشی نظم موجود و موضع‌گیری کشورهای منطقه علیه ایران شود؛ زیرا نحوه توزیع قدرت به شدت تغییر می‌کند و عربستان و اسرائیل که از این مسئله سودمند می‌شدند دچار آسیب جدی می‌شوند. در برهه میان‌مدت، کشورهای منطقه نظم جدید و نقش منطقه‌ای ایران را به رسمیت می‌شناسند و ایران را یکی از مدافعان نظم موجود خاورمیانه به حساب می‌آورند. در برهه بلندمدت ایران سعی خواهد کرد نظمی مبتنی بر مشارکت را در منطقه ایجاد کند و کشورها ایران را به عنوان یک دولتی که در قبال راهبردهای خود مسئول است می‌پذیرند.

برجام:

توافق جامع و نهایی هسته‌ای وین با عنوان شناخته شده و رسمی برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام^۱ در راستای توافق جامع بر سر برنامه هسته‌ای ایران و به دنبال تفاهم

^۱ - Joint Comprehensive Plan of Action

هسته‌ای لوزان، در سه شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ (شامل چین، فرانسه، روسیه، انگلیس، ایالات متحده آمریکا و آلمان) منعقد شد. مذاکرات رسمی برای طرح جامع اقدام مشترک درباره برنامه اتمی ایران با پذیرفتن توافق موقت ژنو بر روی برنامه هسته‌ای ایران در نوامبر ۲۰۱۳ شروع شد. به مدت ۲۰ ماه کشورها درگیر مذاکره بودند که در آوریل ۲۰۱۵ تفاهم هسته‌ای لوزان شکل گرفت. متعاقب امضای این سند و تنها پس از شش روز، در تاریخ ۲۹ تیرما ۱۳۹۴ (۲۰ جوی ۲۰۱۵) قطع نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به تصویب رسید که بر اساس آن، تحریم‌های قبلی شورای امنیت ملغی شده و کشورهای امضا کننده برجام، موظف به اجرای کامل تعهدات مندرج در آن شدند.

بر اساس این توافق، ایران ذخایر اورانیوم غنی شده متوسط خودش را پاکسازی خواهد کرد و ذخیره‌سازی اورانیوم با غنای کم را تا ۹۸ درصد قطع می‌کند، تعداد سانتریفیوژها را حدود دوسوم و حداقل به مدت ۱۵ سال کاهش می‌دهد. ۱۵ سال بعد، ایران موافقت کرده‌است که اورانیوم را بیش از ۳/۶۷ درصد غنی‌سازی نکند یا تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم جدید یا رآکتور آب‌سنگین جدیدی را نسازد. فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم به مدت ۱۰ سال به یک تک ساختمان که از سانتریفیوژهای نسل اول استفاده می‌کند محدود خواهد بود. دیگر تأسیسات نیز طبق پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای اجتناب از خطرهای تکثیر سلاح‌های اتمی تبدیل خواهند شد. برای نظارت و تأیید اجرای توافق نامه توسط ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) به تمام تأسیسات اتمی ایران دسترسی منظم خواهد داشت. در نتیجه این توافقنامه مقرر شد ایران از تحریم‌های علیه ایران شورای امنیت ملل متحد، اتحادیه اروپا و ایالات متحده (تحریم‌های ثانویه) بیرون بیاید. بعد از اجرای برجام از سوی ایران، سرانجام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ خورشیدی، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا رسماً از برجام خارج و بازگشت تحریم‌ها به صورت گذشته را اعلام کرد.

نتیجه‌گیری

شاید یکی از مهمترین راهبردهای دولت یازدهم که متأثر از ارتباطات جهانی بوده است، سیاست تنش‌زدایی بوده است، مهمترین جنبه‌های تنش‌زدایی در دولت یازدهم را می‌توان دوری از تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و لزوم برقراری ارتباط، رعایت احترام متقابل، تدبیر و اعتدال در سیاست خارجی، ضرورت پرهیز از درگیری ایدئولوژیک، ضرورت جدی جهت حفظ بازاریابی، آمادگی عملی جهت همزیستی مسالمت آمیز و پذیرش کثرت‌گرایی سیاسی و

اقتصادی دانست. پیگیری سیاست قدرت در چارچوب توانمندی‌ها و محدودیت‌های ایران در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بیانگر سیاست خارجی واقع‌گرای دولت یازدهم است. تلاش برای رفع سوءتفاهمات با آمریکا یا به اصطلاح آقای روحانی "کدخدا"، شاه بیت این واقع-گرایی است. در وهله بعد سیاست خارجی دولت یازدهم به سمت اتخاذ یک سیاست خارجی چند شقی شامل همسایگان و محیط پیرامونی، نگاه به شرق و تنش زدایی متقابل با غرب و پرهیز از افراط‌گرایی پیش برده است که نشانگر درکی واقع‌گرایانه از الزامات ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران و واقعیت‌های نوین قدرت در عرصه جهانی یعنی توازن قدرت بین شرق و غرب است. تلاش برای رفع تحریم‌ها از دریچه رسیدن بر سر توافق هسته‌ای با ۱+۵ به عنوان تلاشی برای ممانعت از تخلیه استراتژیک ایران (دیدگاه آقای دکتر ظریف) نیز از درک واقع بینانه مقامات تصمیم‌گیر حکایت دارد.

در طی سالهای پس از رخداد ۱۱ سپتامبر، دولتمردان کاخ سفید به رویکرد نوینی در عرصه امنیت ملی خویش روی آوردند و کوشیدند تا با شریک قرار دادن دیگر ملتها در هزینه‌های تهدایات امنیتی، بار این فشارها را از روی خود کاسته و شریک غمی جهانی برای خود بیابند. این رویکرد در برخورد و مواجهه ملتها و تعاملات ایشان با ایالات متحده بسیار موثر واقع گردید. جمهوری اسلامی ایران نیز به تبع و به عنوان یکی از بازیگران و کنشگران عرصه بین‌المللی، به ویژه در حوزه خاورمیانه نیز تأثیرات بسیاری از این رویکرد داشته است. این منطقه هم از حیث ابزار قدرت آفرینی همچون موقعیت ژئوپولیتیک و منابع سرشار انرژی و هم از حیث مصرف به واسطه جمعیت بسیارش دارای ارزش‌های پنهان و آشکار فراوانی است. تلاش برای التهاب دار نمودن این منطقه یکی از کارکردهای اساسی برای جلوگیری در گسترش فرهنگ اسلام و از طرفی آموزه‌های شرق دور می‌باشد. کشور ایران نیز از عوامل بازیگردان اصلی این منطقه به شدت نیازمند و محتاج تعامل دو سویه با رویکرد حفظ عزت و مصلحت و منافع ملت ایران می‌باشد تا هم از قافله تغییرات در این منطقه به دور نماند و هم به نقش آفرینی خویش ادامه دهد. حذف از گردونه سیاسی منطقه می‌تواند به حذف دراز مدت و ناکارآمد کردن سیاست‌های آینده ایران منتهی گردد. از این روی، رویه‌های سیاسی و امنیتی کشورمان با رویه‌های اعمال شده در طی سالهای اخیر که ایالات متحده و خصوصاً پس از رخداد ۱۱ سپتامبر و پسا رخدادهای آن از خود بروز داده است در شکل و محتوای خود دستخوش تغییرات جدی گردیده است. در این برهه شاهد بروز سیاست‌های آشکار حمایتی ایران از جریان‌های مقاومتی و انقلابی

منطقه، گسترش مبارزه با افراط‌گرایی و جریان‌ات تروریستی، خیزش‌های مردمی و گروه‌های فکری نزدیک به ایران در منطقه می‌باشیم. این رفتار همچون رفتار بسیاری از قدرت‌های جهان و به صورتی آشکار و بدون خط بندی و مرز و اساساً در قامت یک رفتار سیاسی منطقی پذیرفته شده عرف بین‌المللی در راستای تأمین منافع ملی خویش بوده است. بازیگران در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در تلاش‌اند تا مبتنی بر منافع و امنیت ملی خود، تغییراتی را در نظم موجود ایجاد کرده و با طراحی سامانه‌هایی چون ائتلاف، اتحاد و واگرایی و همگرایی با بازیگران دیگر، به نظم مطلوب خود دست یابند. در تلقی سیستمی از نظام بین‌الملل، نظم یک متغیر وابسته است که مبتنی بر تغییر و تحول در عناصر یک سیستم یعنی واحدها، قواعد، روابط و مرزها می‌تواند دستخوش تغییر شود. از سوی دیگر، برای فهم نظم مطلوب یک بازیگر باید اهداف او را در حوزه‌های مختلف شناخت؛ بر همین اساس اهداف نظم مطلوب برای بازیگران مختلف می‌تواند متفاوت باشد. فهم این اهداف، تحلیل الگوهای رفتاری یک بازیگر را سهل‌تر ساخته و بازیگران دیگر را برای اتخاذ واکنش‌های تعاملی و یا تقابلی آماده‌تر می‌سازد.

از دیگر سو، امروز سطوح منطقه‌ای از جمله سطوح تأثیرگذار در نظم در حوزه کلان‌تر یعنی نظم و نظام بین‌المللی به حساب می‌آید. از این رو، الگوهای رفتاری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به عنوان یک متغیر تأثیرگذار می‌تواند در ایجاد و شکل‌دهی نظم مطلوب تأثیرگذار باشد. این روند با افزایش سطح و میزان ارتباطات در درون نظام بین‌الملل و جهانی شدن فرآیندهای آن و گذر جریان‌ات از مرزهای سیستمی از اهمیت و پیچیدگی خاصی برخوردار گردیده است. این پیچیدگی تا حد زیادی به تغییر و تحول در سازه‌های نظام بین‌الملل از جمله سازه منطقه‌ای آن منجر شده است.

فراز و نشیب‌های تاریخی گسترده در خاورمیانه تحت تأثیر مؤلفه‌های هویتی درون منطقه‌ای؛ همچنین نقش مداخله‌گر بازیگران فراملی در فضای سیاست داخلی و خارجی این منطقه هست. در منطقه خاورمیانه برای دهه‌های متمادی به دلیل اهمیت ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی، حضور بازیگران مداخله‌گر و رقابت بازیگران منطقه‌ای یک نظم منطقه‌ای پایدار ایجاد نشده است. در چنین روندی، نظم به معنای ایجاد یک الگوی مدیریت امنیتی با وجود تعارضات و رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به معنایی حل‌نشده تبدیل شده است. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه خاورمیانه طی چند دهه اخیر تلاش کرده است تا یک نظم منطقه‌ای در چهارچوب ظرفیت‌های درون منطقه‌ای و با حضور همه کشورهای منطقه

ایجاد نماید. جمهوری اسلامی ایران برای سال‌ها تلاش کرده با بهره‌گیری راهبردی از موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه و شناساندن خود به عنوان یک قدرت و بازیگر منطقه‌ای فعال در منطقه خاورمیانه، الگوی مورد نظر از نظم را در مناسبات امنیتی خاورمیانه مسلط سازد. الگوی مورد نظر جمهوری اسلامی ایران را می‌توان «مدیریت دسته جمعی چندجانبه» نامید که برقراری نظم منطقه‌ای را صرفاً حق ویژه و امتیاز کشورهای بزرگ نمی‌داند؛ به بیان دیگر، جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده است از طریق همیاری مجموعه بازیگران منطقه‌ای، مانع دخالت قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای شود. این الگو در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری اسلامی به ویژه دوره‌های ریاست جمهوری «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» و «سیدمحمد خاتمی» از طریق سیاست «تنش‌زدایی» به طور فعالانه‌ای دنبال شد. با انتخاب «حسن روحانی» و روی کار آمدن دولت یازدهم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی با دگردیسی‌های جدیدی مواجه شد و توجه به کشورهای همسایه و منطقه به عنوان اولویت اصلی مطرح گردید و دولت یازدهم با راهبرد تعامل سازنده و سیاست تنش‌زدایی، نظم مورد نظر خود که همان نظم منطقه‌ای پایدار است، دنبال نمود. افزایش نفوذ منطقه‌ای حاکمیت و حضور مستشاری ایران در سوریه نه تنها منجر به افزایش ثبات سیاسی کشور گردیده بلکه دامنه امنیت نرم افزاری جمهوری اسلامی را فراتر از مرزهای خود برده و ایران به عنوان یکی از بازیگران اصلی صحنه بین‌المللی در منطقه نقش پررنگی در مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم دنبال نموده است. شکل‌گیری ائتلافات بین-المللی در امر مبارزه با تروریسم در سوریه به همراه تعدادی از کشورهای قدرتمند منطقه در مقابل ائتلاف کشورهای غربی و صحنه‌گردانی قدرتمند ائتلاف ایران منجر به افزایش نفوذ منطقه‌ای و ترسیم خطوط قرمز جدیدی برای بازیگران منطقه‌ای گردید.

منابع فارسی

کتاب

- ۱- آکسفورد، باری (۱۳۷۸)، **نظام جهانی**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- ۲- ام‌ولت، استغان (۱۳۸۲)، **حفظ عدم توازن جهانی و خویشتنداری و سیاست خارجی آمریکا**، در: جان ایکنبری، تنها ابرقدرت هژمونی در قرن ۲۱، تهران، ترجمه عظیم فضلی پور، مؤسسه مطالعاتی و تحقیقاتی ابرار معاصر، چاپ دوم
- ۳- باری بوزان، و الی ویو (۱۳۸۸)، **مناطق و قدرت‌ها**، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۴- (۱۳۷۸)، **مردم، دولت‌ها و هراس**، ترجمه، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۵- روشندل، جلیل (۱۳۸۶)، **امنیت ملی و نظام بین‌الملل**، تهران، سفیر
- ۶- رالف، رولف، یورگن رولاند (۱۳۹۳)، **میان منطقه‌گرایی و روابط بین‌الملل**، ترجمه الهه کولایی، محمدکاظم شجاعی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه
- ۷- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۲)، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌المللی**، تهران، انتشارات سمت
- ۸- کمپ، جفری (۱۳۸۴)، **جغرافیای استراتژیک خاورمیانه**، جلد اول، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۹- منصوری، جواد (۱۳۷۰)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، انتشارات امیرکبیر
- ۱۰- موسویان، سید حسین (۱۳۹۶)، **منطق پیامدهای مطلوب و نامطلوب برجام**، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری
- ۱۱- نای، جوزف (۱۳۸۹)، **قدرت نرم ابزار قدرت در روابط بین‌الملل**، ترجمه سید محسن روحانی، دانشگاه امام صادق، چاپ سوم
- ۱۲- والتز، کنت (۱۳۸۳)، **ساختارگرایی پس از جنگ سرد**، ایکنبری، جان، تنها ابرقدرت (هژمونی آمریکا در قرن بیست و یک)، ترجمه: عظیم فضلی پور، تهران: مؤسسه فرهنگی، مطالعاتی و تحقیقاتی ابرار معاصر
- ۱۳- والتز، کنت (۱۳۹۳)، **نظریه سیاست بین‌الملل**، ترجمه غلامعلی چگینی‌زاده، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه

۱۴- واعظی، محمود(۱۳۷۸)، راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا، مجموعه مقالات همایش سیاست خارجی توسعه‌گرا. تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

مقالات

- ۱- اعلائی حسین(۱۳۹۱)، امنیت پایدار، فصل نامه آفاق امنیت، تابستان
- ۲- امینی، آرمین(۱۳۸۷)، تعاملات راهبردی- امنیتی اسرائیل و ناتو، پژوهش‌نامه سازمان‌های بین‌المللی، شماره ۴
- ۳- خسروی باباناری، ملک تاج (۱۳۹۶)، رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم و امنیت منطقه خاورمیانه، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۰، شماره ۳۹، پاییز

خبرگزاری

- ۱- احدی، افسانه(۱۳۹۰)، تحرکات ناتو در پی اجلاس سران بخارست، در: www.csr.ir
- ۲- شاخص‌های سیاست خارجی دولت روحانی، (۱۳۹۳)، قابل دسترس در سایت انتخاب
- ۳- گزارش عملکرد سه ساله دولت یازدهم، دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت، شهریور ۱۳۹۵

منابع انگلیسی

- 1- Anatol Leiven, July 1996, **Baltic Iceberg Dead Ahead: NATO Beware**, the World today
- 2- Barnett, Michael n. (1998), **Dialogues in Arab politics: negotiations in regional order**. New York: Columbia university press

مقالات

- 1- Coppieters, Bruno, September 1995 , **The Asia Region in a New International Environment**, NATO Review, No 5
- 2- Deutsch, Karl & J. David Singer. (1964), **Multipolar Power System and International Stability**, World Politics. Vol. 16(3)
- 3- Otte, Evelien, Rousseau, Ronald. (2002), **Social network analysis: a powerful strategy**, also for the information sciences. Journal of Information Science, Vol.28 (6)

خبرگزاری

- 1- Danahar .Paul. (2013), **The World after the Arab Spring**, The New Middle East. Available at: [www. Bloomberg.com/uk/the-n](http://www.Bloomberg.com/uk/the-n)